

# استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام

## در پرتو نهضت عاشورا

ناصر رفیعی محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

ائمه علیهم السلام قرآن را معیار و اساس ارزیابی سخنان خود معرفی کرده‌اند، و برای تأیید سخنان و بیان معارف خویش به آیات الهی تمسک جستند، در این میان مجموعه‌ای از استشهادات قرآنی از امام حسین علیه السلام به ما رسیده است که این نوشتار تنها به بررسی استنادات قرآنی ایشان در حادثه عاشورا و در محدوده‌ی زمانی امتناع از بیعت با یزید تا لحظه شهادت می‌پردازد. با تبلیغات مسموم و گمراه کننده‌ی بنی‌امیه مردم از معارف اصیل قرآنی فاصله گرفته بودند، لذا امام حسین علیه السلام با استناد به آیات قرآن موقعیت و جایگاه خود را در برابر بنی‌امیه بیان می‌کند که در حقیقت بیان ملاک حق و باطل است، امام حسین علیه السلام یکی از اهداف اصلی قیام خود را دعوت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نموده است و نهضت و قیام خود را بر مبنای قرآن معرفی می‌کند و هم‌چنین به بیان نقش حقیقی امام می‌پردازد.

### کلیدواژگان

قرآن، امام حسین علیه السلام، عاشورا، استنادات قرآنی.

۱. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه.

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۱۳ و تاریخ تأیید ۱۳۹۴/۴/۲۳.

## مقدمه

عمل و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام ترجمان و تفسیر قرآن کریم است. نخستین مفسر قرآن کریم رسول خدا صلی الله علیه و آله است «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»<sup>۱</sup> ایشان اهل بیت علیهم السلام را در حدیث معروف ثقلین، عدل قرآن قرار داده و با تأکید بر تمسک بر قرآن و عترت بر رابطه تفکیک‌ناپذیر این دو تأکید نمودند. حدیثی که در دیدگاه بزرگان در زمره احادیث معتبر و متواتر است.<sup>۲</sup>

از این حدیث می‌توان به این حقیقت دست یافت که وجود حجتی معصوم همواره در کنار قرآن تا زمان ورود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار حوض کوثر یک ضرورت است. امام خمینی ره در زمینه‌ی تمسک به ثقلین می‌فرماید:

«و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح شش‌گانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلف و موارد مکرر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر، به‌ویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است، جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد بر علماء مذاهب نیست.»<sup>۳</sup>

صدها روایت تفسیری و هزاران استشهاد قرآنی از کلام ائمه علیهم السلام به دست ما رسیده که مبین محوریت قرآن و اهل بیت است. ائمه علیهم السلام قرآن را معیار و اساس ارزیابی سخنان خود معرفی کرده‌اند و به‌صراحت فرموده‌اند آنچه از احادیث ما مخالف قرآن است زخرف و باطل است، در این میان مجموعه‌ای از روایات و استشهادات قرآنی از امام حسین علیه السلام به ما رسیده است که در این نوشتار تنها به بررسی استنادات قرآنی ایشان در حادثه عاشورا از زمان امتناع از بیعت با یزید تا لحظه شهادت می‌پردازیم.

۱. نحل: ۴۴.

۲. عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۶، ص ۳۰۳؛ و احمد بن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۲۶.

۳. وصیت‌نامه امام خمینی ره.

## قرآن و قیام امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام یکی از اهداف اصلی قیام خود را دعوت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نموده است.

«أنا ادعوکم الی کتاب الله و نبیه؛<sup>۱</sup> شما را دعوت می‌کنم به کتاب خدا و (سنت) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله».

امام حسین علیه السلام انگیزه مهلت خواستن شب پایانی حیات خویش را دوست داشتن قرائت قرآن ذکر می‌کند. «احب الصلاة له و تلاوة کتابه».<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام اصحاب خویش را پس از نماز ظهر روز عاشورا امت قرآن خطاب کرده و فرمود: «یا امة القرآن هذه الجنة فاطلبوها و هذه النار فاهربوها؛<sup>۳</sup> ای امت قرآن اینک این بهشت است آن را طلب کنید و از جهنم بگریزید.»

اباعبدالله علیه السلام روز عاشورا از قاریان و حاملان قرآن به صورت ویژه تجلیل نمود. بر بالین حبیب بن مظاهر فرمود: «لله درک یا حبیب لقد کنت فاضلا تختم القرآن فی لیلۃ واحدة»<sup>۴</sup>

امام حسین علیه السلام گونه خود را بر گونه اسلم بن عمرو که غلامی ترک و قاری قرآن بود نهاد و بدین وسیله او را ستود.<sup>۵</sup>

## استنادات قرآنی امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام از مقطع زمانی امتناع از بیعت با یزید تا حماسه روز عاشورا در شرایط و صحنه‌های مختلف و به فراخور مخاطب اعم از دوست یا دشمن به بخشی از آیات قرآن کریم استناد نمودند. این استنادات به ترتیب زمانی ذکر می‌شود.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۹۱.

۳. محمد مهدی حائری، معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۶۲.

۴. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۴۶.

۵. محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۷.

### ۱. استناد به آیه استرجاع<sup>۱</sup>

هنگامی که ولید بن عتبه خیر مرگ معاویه را به امام داد، امام آیه شریفه استرجاع را تلاوت نمود.<sup>۲</sup> هم‌چنین هنگامی که مروان بن حکم به حضرت توصیه نمود تا با یزید بیعت کند، امام این آیه را خواند.<sup>۳</sup> امام در طی مسیر کربلا نیز چند مرتبه این آیه را قرائت نمود. هنگام شنیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه.<sup>۴</sup> هنگام بیدار شدن از خواب و موقع کوچ از قصر بنی مقاتل.<sup>۵</sup>

(أنا لله) اقرار به عبودیت و بندگی و (أنا الیه راجعون) اقرار به بعث و معاد و رستاخیز است.<sup>۶</sup> کلمه استرجاع عالی‌ترین درس توحید و باور به معاد است. معتقد به این کلمه خود را رها نمی‌داند، وابسته به خدا دانسته و هدفمند است. تأثیر تربیتی این دو اقرار آن است که انسان هرگز خود را مالک نمی‌داند. بر فقدانها جزع نمی‌کند و همواره شکیبایی می‌ورزد. باور به این دو اقرار انسان را تسلیم و راضی قرار می‌دهد. اولیای الهی همواره در هنگام بروز مصائب به ذکر آیه استرجاع می‌پرداختند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: چهار خصلت در هر کسی باشد در نور اعظم الله قرار دارد یکی این که (اذا اصابته مصیبة قال أنا لله و أنا الیه راجعون)<sup>۷</sup>

یادکرد امام حسین علیه السلام از این آیه در شرایط و بحران‌های سخت نشان از وارستگی امام و توکل قوی ایشان است.

۱. بقره: ۱۵۶.

۲. ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۸، ص ۱۴۰.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶.

۴. همان، ص ۳۷۲.

۵. همان، ص ۳۸۰.

۶. محمد بن الحسن طوسی، التبیان، ج ۲، ص ۳۹.

۷. عروسی حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۹.

## ۲. استشهاد به آیه تطهیر<sup>۱</sup>

بعد از تهدید مروان و اصرار بر بیعت با یزید امام علیه السلام فرمود:  
ویلک یا مروان الیک عنی فانک رجس و انا اهل بیت الطهارة الذین انزل الله  
عزوجل علی نبیه محمد صلی الله علیه و آله فقال «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و  
یطهرکم تطهیرا»<sup>۲</sup>

«وای بر تو مروان، از من دور شو، زیرا تو پلید و آلوده‌ای و ما از خاندان پاک  
هستیم، همان خاندانی که درباره آن‌ها آیه تطهیر را خدا بر پیامبرش نازل کرد.»  
آیه تطهیر در ضمن هفت آیه که مخاطب آن همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند  
نازل شده است. بعد از حدود بیست ضمیر جمع مؤنث، خطاب آیه جمع مذکر  
است که با انما (مفید حصر) آغاز می‌شود. اراده الهی اراده تکوینی است نه  
تشریحی و مصداق انحصاری آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام،  
حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند. بیش از هفتاد روایت از طریق اهل سنت و نه  
شیعه در این حدود رسیده است.<sup>۳</sup>

امام حسین علیه السلام با استناد به این آیه موقعیت و جایگاه خود را در برابر بنی‌امیه  
بیان می‌کند که در حقیقت بیان ملاک حق و باطل است. معنای کلام امام این  
است که حکومت اهل رجس و بیعت با آن‌ها باطل و حرام است. در مقابل،  
پیروی از اهل حق و پاکان بر همگان واجب و لازم است. امام سجاد علیه السلام در  
برابر شماتت پیرمرد شامی به همین آیه استناد کردند.<sup>۴</sup>

۱. احزاب: ۳۳.

۲. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۸۵.

۳. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۶.

### ۳. استناد به آیه «خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»<sup>۱</sup>

امام در شب یکشنبه ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری همراه با خانواده و یاران از مدینه خارج شد درحالی که این آیه را تلاوت می کرد:

«فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

موسی از شهر خارج شد درحالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای، گفت پروردگارا مرا از قوم ستمگر رهایی بخش.

هنگامی که به حضرت موسی عليه السلام خبر دادند فرعونیان قصد قتل او را دارند با حالت ترس از مصر به مدین رفت درحالی که دعا می کرد: (رب نجني من القوم الظالمين)

استناد به این آیه توسط امام، ترسیم خط فکری امام است؛ که همان خط انبیا الهی است. مقابله امام با یزید، مانند مقابله موسی کلیم با فرعون است. امام حرکت خود را، هجرتی موسوی و پیامبرگونه و تقابل خود با یزیدیان را تقابل با تفکر فرعون می داند. در حقیقت پیام این آیه آن است که؛ تقابل موسی و فرعون منحصر به زمان آن دو نیست، در طول تاریخ همواره فرعون‌های زمان در قالبی آشکار شده و سعی در مانع تراشی برای ولی خدا داشته‌اند. پیروان حق همواره به تکلیف خود عمل نموده و در برابر فرعونیان ایستادگی کرده‌اند.

### ۴. استناد به آیه «لَمَّا تَوَجَّهَ»

امام عليه السلام هنگامی که به شهر مکه رسید این آیه شریفه را تلاوت فرمودند؛

«وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ چون موسی به سوی مدین روی نهاد گفت امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید.»<sup>۲</sup>

هنگامی که موسی از مصر بیرون آمد به شهر مدین (شهری در جنوب شام و شمال حجاز نزدیک تبوک) که آن زمان از قلمرو حکومت فرعون بوده است،

۱. قصص: ۲۱.

۲. قصص: ۲۲.

رسید و برای هدایت به راه راست دعا کرد. این نخستین هجرت حضرت موسی علیه السلام است که برای فرار از ظلم و کفر صورت گرفت. امام حسین علیه السلام نیز با استمداد از خدای متعال و قرائت این آیه، وارد شهر مکه، حرم امن الهی شد.

#### ۵. استناد به آیه «لَنْ يُصِيبَنَا»

هنگامی که امام علیه السلام از بطن الرمه به راه افتاد عبدالله بن مطیع که از عراق می آمد، امام علیه السلام را ملاقات کرد. پرسید: «پدرم و مادرم به فدایت چه چیزی باعث شده از حرم جدت خارج شوی» امام علیه السلام فرمودند: کوفیان مرا دعوت نموده اند. ابن مطیع اصرار کرد؛ تو را به خدا! به کوفه نرو، که حتماً تو را خواهند کشت.<sup>۱</sup> امام علیه السلام در این هنگام این آیه را تلاوت نمودند؛ «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا».<sup>۲</sup>

این آیه ادامه آیاتی است که در مورد نبرد تبوک است. منافقان گفتند: اگر ما به تبوک بیاییم، ممکن است چشممان به دختران رومی بیفتد و گناه کنیم.<sup>۳</sup> خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: به آنها بگو هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی دهد، مگر آن چه خدا مقرر کرده است.

علامه طباطبایی می نویسد: «ولایت و تدبیر و اختیار امور ما فقط به دست خداوند است و این اختیار نه به دست ماست و نه به دست هیچ یک از اسباب ظاهری بلکه؛ حقیقت امر تنها به دست خداست و خداوند سرنوشتی حقیقی از خیر و شر برای هر کس تعیین نموده است و هنگامی که این مطلب را می دانیم چرا امر او را امثال نکنیم و در راه احیای امر او سعی و تلاش نکنیم و در راه خدا جهاد نکنیم. خداوند نیز خواسته خود را اجرا می کند و آنچه از خوبی یا بدی را که بخواهد به ما می رساند».<sup>۴</sup>

۱. ابوحنیفه الدینوری، الاخبار الطوال، ص ۱۸۵.

۲. توبه: ۵۱.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۶.

۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۳۰۶.

معنای این آیه که امام حسین علیه السلام استشهاد کردند، آن است که؛ ما مأمور به تکلیفیم نه ضامن نتیجه، جهاد می‌کنیم، تلاش می‌کنیم به وظیفه‌ای که تشخیص دادیم، درست است و معصیت نیست. عمل می‌کنیم اما مقدرات به دست خداست، خداوند هرگز برای بنده‌اش بد نمی‌خواهد معنای توکل همین است. امام سجاد علیه السلام هم در برابر یزید ملعون به همین آیه استناد کردند. امام علیه السلام با تمسک به این آیه گویا می‌فرماید: پیروزی یا شهادت هر کدام باشد برای ما گوارا و حسن است، قائل به جبر نیستیم اما وقتی تشخیص دادیم وظیفه‌ای شرعی و دینی و مطابق عقل است انجام می‌دهیم و نگران نیستیم.

#### ۶. استشهاد به آیه «فمن نکث»

امام حسین علیه السلام در منطقه «البیضه» با حر ملاقات کرد. امام علیه السلام در جمع یاران حر سخنرانی کرد و در بخشی از سخنرانی فرمود:

«فانا الحسين بن علي و ابن فاطمه بنت رسول الله نفسي مع انفسكم و اهلي مع اهليكم فلکم فی اسوه؛ من حسین بن علی فرزند فاطمه هستم خودم با شما هستم و خاندانم با شماست من برای شما الگو هستم.»<sup>۱</sup>

در ادامه آن‌ها را به وفاداری به پیمان و بیعت فراخواند. سخن از نامه‌های کوفیان گفت و در پایان این آیه را قرائت کرد: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ؛ هر کس پیمان‌شکنی کند تنها به زیان خود پیمان شکسته است.»<sup>۲</sup>

نکث به معنای باز کردن، نقض و شکستن عهد و پیمان است. در این آیه نیز به معنای شکستن عهد و پیمان است. اصحاب جمل را از این حیث ناکثین گویند، که بیعت خود را شکستند.

این آیه در بیعت رضوان نازل شده است. در مورد افرادی که در صلح حدیبیه زیر درخت با رسول خدا صلی الله علیه و آله تا مرز جانبازی و عدم فرار بیعت کردند. این آیه پیمان‌شکنی را خودشکنی خوانده و می‌فرماید: «فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ».

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۰.

۲. فتح: ۱۰.



استناد امام حسین علیه السلام به این آیه می‌رساند راهی که وی در رویارویی با بنی‌امیه برگزیده بود، همان راهی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رویارویی با مشرکان برگزیده بود و همان‌طور که بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت با خداست، بیعت با امام حسین علیه السلام نیز بیعت با خداست. همان‌گونه که شکستن بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله، قبیح و ناپسند است پیمان‌شکنی با فرزند او نیز ناپسند و مذموم است. نقض بیعت با امام حسین علیه السلام نقض بیعت با خدا و تباه کردن ایمان است. یکی از اوصافی که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا یارانش را به آن ستود وفاداری است «انی لا اعلم اصحابا اوفی منکم». وفاداری در زندگی یاران و شهدا کربلا موج میزند، به‌گونه‌ای که ابوالفضل العباس علیه السلام حاضر به نوشیدن آب از شریعه، به یاد تشنگی امام حسین علیه السلام نمی‌شود. امام صادق علیه السلام در زیارت‌نامه عموی خود ابوالفضل العباس علیه السلام، او را با این وصف ستوده است: «اشهد لکم بالتسليم و التصديق و الوفاء و النصيحة لخلف النبي»<sup>۱</sup>

در روایتی آمده است؛

سئل علی بن الحسین علیه السلام عن جميع شرایع الدین فقال قول الحق و الحكم بالعدل و الوفا بالعهد.

از امام سجاد علیه السلام سؤال شد چکیده شرایع دین چیست؟ فرمود: حق‌گویی و داوری عادلانه و وفای به عهد.

۷. استناد به آیه «مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ»

مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند هنگامی که امام حسین علیه السلام به قصر بنی‌مقاتل رسید آن‌جا خیمه‌ای برای مردی به نام عبیدالله حر جعفی، بر پا بود. امام علیه السلام او را دعوت به همراهی نمود و فرمود:

تو گناهان زیادی مرتکب شده‌ای آیا می‌خواهی کاری کنی که گناهانت را از بین ببرم؟

گفت: چگونه؟

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

امام علیه السلام فرمود: با یاری فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله.  
گفت: من شمشیر و اسبم را می‌دهم اما مرا از این کار معاف کن.  
امام علیه السلام فرمود: «اذا بخلت علينا بنفسک فلا حاجة لنا بمالک؛ هنگامی که نسبت  
به ما جانت را دریغ می‌کنی ما را به مال تو نیازی نیست.»  
سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت نمود:  
«وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا؛ من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار  
نمی‌دهم.»

این آیه پس از آیات مربوط به تمرد و سرپیچی شیطان از سجده بر حضرت  
آدم آمده است. در ادامه می‌فرماید: من هرگز هنگام آفرینش آسمان‌ها و زمین و  
ابلیس و فرزندانش، از ابلیسیان شاهد نگرفتم و من گمراه‌کنندگان را به یاری  
نمی‌طلبم.

این آیه، دلالت بر توحید افعالی و نفی ادعای مشرکان در تأثیرگذاری شیاطین  
بر آفرینش دارد. استناد امام حسین علیه السلام به این آیه، اشاره به چند نکته دارد:

۱. اصحاب امام باید از پاکان و صالحان باشند. از خالص‌ترین و لایق‌ترین  
افراد، اگر عبیدالله حر جعفری مانند حر توبه می‌کرد، در زمره پاکان قرار می‌گرفت.  
اما اکنون که به مال خود می‌نازد و بخل در همراهی امام دارد امام از او کمک  
نمی‌گیرد.
۲. نکته دیگر نقش امام حسین علیه السلام در هدایت افراد و ایجاد تغییر است  
حتی از بدترین افراد هم نباید ناامید شد.
۳. نکته سوم ضرورت یاری امام علیه السلام و عضد بودن و بازو بودن برای دین  
است.

۱. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۵۴ (مجلس ۳۰).

۲. کهف: ۵۱.

## ۸. استناد به آیه «وَمَا ظَلَمُونَا»

هنگامی که ام‌کلثوم به امام حسین علیه السلام عرض کرد «منزلت و جایگاه جدت و مادرت و برادرت را به این قوم یادآوری کن» امام علیه السلام فرمود: به آنان یادآوری نمودم، اما نپذیرفتند. آنان را اندرز دادم، اما اندرز من در آنان کارساز نبود و سخنم را نشنیدند، آن‌ها تصمیمی جز کشتن من ندارند و چاره‌ای نیست، جز این که شما مرا بر این خاک ببینید. «اوصیکم بتقوی الله رب البریه و الصبر علی البلیه و کظم نزول الرزیه»<sup>۱</sup> شما را به تقوای الهی که پروردگار خلایق است، شکیبایی بر بلاها و پنهان نمودن نزول بلا توصیه می‌کنم.

دختر امام علیه السلام می‌گوید پس ساعتی گریستیم درحالی که حضرت فرمود: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَکِن کَانُوا أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ؛ آنان به ما ظلم نکردند بلکه بر خودشان ستم روا داشتند»<sup>۲</sup>

این آیه درباره یهودیانی است که بر اساس ناسپاسی خداوند و مخالفت با دستورات الهی و حضرت موسی علیه السلام به مدت چهل سال در بیابان آواره شدند. گروهی از آنان که پشیمان شدند، مشمول رحمت الهی قرار گرفتند. در ادامه، آیه می‌فرماید: آنان به ما ستم نکردند بلکه بر خویش ستم روا داشتند.

امام حسین علیه السلام با استناد به این آیه، ضمن یادآوری ناسپاسی سپاه ابن زیاد می‌فرماید: این ظلم و ستم در نهایت دامن‌گیر خودتان خواهد شد.

طاعت مطیع و نافرمانی عاصی هر دو سود و زیانش برای خود آنان است. خدای تبارک و تعالی نیاز به طاعت و یاری ندارد. این یک قاعده کلی است که هر ظلم و ستمی به ظالم و هر سود و نفعی به مطیع برمی‌گردد. این سنت الهی است. افرادی که اقدام به شهید کردن امام حسین علیه السلام نمودند، دچار خواری شدید شدند، به گونه‌ای که اجساد بنی‌امیه را ابوالعباس سفاح از قبر بیرون آورد و آتش زد. این وعده الهی است که فرجام ستم تباهی و سقوط است.

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۰۰.

۲. بقره: ۵۷.

## ۹. استناد به آیه «املاء»

ابومخنف نقل می‌کند؛ شب عاشورا امام حسین علیه السلام این آیه شریفه را قرائت کرد. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»<sup>۱</sup>

املاء یعنی مهلت دادن و به تأخیر انداختن، این آیه در مورد مشرکان نازل شده است که به ابوطالب می‌گفتند: اگر محمد راست می‌گوید، به ما خبر دهد؛ کدام یک از ما مؤمن و کدام یک کافر است. اگر دیدیم درست می‌گوید به او ایمان می‌آوریم. ابوطالب این سخنان را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند. در این هنگام این آیه نازل شد.<sup>۲</sup>

این آیه، پاسخ به این سؤال است؛ چرا عده‌ای از کافران از نعمت‌های بیکران الهی برخوردارند و خداوند آنان را به سبب کفرشان از نعمت‌ها محروم نمی‌سازد؟ آیه پاسخ می‌دهد: مهلت دادن به کافران برای پر شدن پیمانۀ آنان و افزایش گناه است تا به عذاب دائم الهی مبتلا شوند. در حقیقت، این مهلت دادن، زمینه سقوط قطعی آنان را به تدریج فراهم می‌سازد. این همان سنت استدراج و استمهال است که یکی از سنت‌های خداوند پیش از کیفر است. خداوند به کافران و گمراهان مهلت می‌دهد تا از آزادی و اختیار خود حداکثر بهره را ببرند، اگر متنبه نشدند، این مهلت موجب می‌شود به بالاترین سقف گناه رسیده و به شدیدترین نوع کیفر مبتلا شوند.

امام حسین علیه السلام سپاه یزید را به کافران و گمراهان تشبیه نموده که با این ظلم و ستم پیمانۀ گناه خود را سنگین‌تر می‌کنند و چنین نیست که این دولت همیشه ادامه پیدا کند. این برتری ظاهری امروز، دلیل بر حقانیت آنان نیست. حضرت زینب علیها السلام نیز همین آیه را خطاب به یزید بن معاویه تلاوت نمود. امام با تلاوت

۱. آل عمران: ۱۷۸.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۵۶.

این آیه، خواستند تذکری بدهند. بلکه کسانی از آنان که امید هدایت در آنان هست هوشیار شده، بازگردند.

۱۰. استناد به آیه «فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ»

روز عاشورا هنگامی که سپاه ابن سعد حرکت کرد و به لشکر امام حسین علیه السلام نزدیک شد امام علیه السلام بر مرکب خویش سوار شد و با صدای بلند که همگان شنیدند فرمود:

«ایها الناس اسمعوا قولی و لا تعجلونی حتی اعظکم بما لحق لکم علی و حتی اعتذر الیکم من مقدمی علیکم فان قبلتم عذری و صدقتم قولی و اعطیتمونی النصف، کنتم بذلک اسعد و لم یکن علی سبیل و ان لم تقبلوا منی العذر و لم تعطوا النصف من انفسکم»<sup>۱</sup> «فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ»<sup>۲</sup> «إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»<sup>۳</sup>

ای مردم به سخن من گوش فرا دهید و برای پیکار با من شتاب مکنید، تا این که شما را به حق موعظه کنم و علت آمدنم را به سوی شما بیان کنم، اگر عذر دلیلم را پذیرفتید و سخن مرا درست دیدید (قبول کنید) و اگر عذر مرا نپذیرفتید و با من از در انصاف درنیامدید (امام در ادامه این آیه را خواند): «پس کار و شریک‌هایتان را جمع کنید، آن‌چنان که هیچ چیز بر شما پوشیده نماند، آنگاه به حیات من پایان دهید و مرا مهلت ندهید. به راستی که سرپرست من خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و او شایستگان را سرپرستی می‌کند.»

امام حسین علیه السلام به دو آیه استناد کرده‌اند. آیه نخست مربوط به پیامبر الهی حضرت نوح علیه السلام است. خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد؛ ماجرای تخاطب حضرت نوح علیه السلام را برای قریش بازگو کند، همان افرادی که او را تکذیب کردند. حضرت نوح علیه السلام گفت: اگر ماندن من بر شما سنگین است، بدانید من بر خدا توکل کرده‌ام. شما شریکان و افکارشان را جمع کنید و آن‌چه

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲. یونس: ۷۱.

۳. اعراف: ۱۹۶.

در توان دارید، بکار گیرید و مهلتم ندهید. در واقع حضرت نوح علیه السلام مخالفان خود را با توکل به خدا و ایمان به مبارزه طلبید و آن‌ها را پوچ پنداشت.

استناد امام حسین علیه السلام به این آیه، می‌رساند رسالت او در راستای رسالت انبیا و شیخ الانبیاء حضرت نوح علیه السلام است، که همان مبارزه با شرک و بت پرستی است. گویا امام علیه السلام لشکر دشمن را مشرکانی می‌داند که با انکار ولایت، دور بت یزید و ابن زیاد می‌چرخند و از توحید که از طریق ولایت و امامت امام معصوم، آشکار می‌شود، غافل شده‌اند.

آیه دوم نیز مربوط به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در برابر مشرکان فرمود: سرپرست من خداست و او صالحان را سرپرستی می‌کند. استناد امام حسین علیه السلام به این آیه، نشان از توکل بالای امام علیه السلام و ایمان به هدف دارد. در واقع امام علیه السلام با تصریح به ولایت الهی برای صالحان به جایگاه عمر سعد و سپاهش، که جزء فاسقان هستند، اشاره دارد.

#### ۱۱. استناد به آیه «فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ»

مکرر امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا و روز عاشورا به آیه شریفه «فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ»<sup>۱</sup> استشهاد کردند. از جمله وقتی، خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی را شنیدند.<sup>۲</sup>

هنگام شهادت مسلم بن عوسجه نیز امام علیه السلام این آیه را قرائت کردند.<sup>۳</sup> هنگام خداحافظی هر یک از اصحاب نیز، آیه فوق را قرائت کردند.<sup>۴</sup>

این آیه افراد را به دو قسم، تقسیم کرده است. کسانی که در راه خدا شهید شدند، که مراد شهدای بدر و احدند و گروه دوم که منتظر هستند تا شهادت

۱. احزاب: ۲۳.

۲. قاضی نورالله تستری، إحقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵.

۴. همان.

نصیب آن‌ها شود.<sup>۱</sup> سیدالشهداء علیه السلام با استناد به این آیه در موقعیت‌های مختلف، یاران خود را مانند اصحاب راستین پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند که در انتظار شهادت به سر می‌برند. این به معنای آن است که؛ هریک از یاران امام با آگاهی تمام به این میدان قدم گذاشته و با آگاهی از فرجام کار مبارزه می‌کند.

#### ۱۲. استناد به آیه «اصطفاء»

امام حسین علیه السلام روز عاشورا هنگامی که علی اکبر علیه السلام رهسپار میدان شد، پشت سر او این آیه را تلاوت کرد:  
 «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ»<sup>۲</sup>

هم‌چنین در پاسخ محمد بن اشعث که گفت: چه خویشی بین تو و محمد صلی الله علیه و آله است این آیه را تلاوت کرد.<sup>۳</sup>  
 این آیه به برتری و برگزیدگی آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران اشاره دارد. مراد از آل ابراهیم، اولاد او هستند یعنی؛ موسی و هارون. فیض کاشانی ذیل آیه می‌نویسد: «اقول و قد دخل فی آل ابراهیم نبینا و اهل بیته»

آن‌چه از آثار تفسیری برمی‌آید، دلالت بر این معنا دارد که؛ اهل بیت داخل در عموم این آیه هستند. این آیه دلیل بر عصمت اهل بیت است.<sup>۴</sup> روایات متعددی در این زمینه رسیده است.

امام رضا علیه السلام در پاسخ مأمون که پرسیده بود؛ آیا خداوند عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟ فرمودند: «ان الله ابان فضل العتره علی سائر الناس فی محکم کتابه» مأمون پرسید این آیه کجاست؟ امام رضا علیه السلام همین آیه اصطفاء را

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۴۵.

۲. آل عمران: ۳۳ و ۳۴.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۷۸.

قرائت فرمود.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام با استناد به این آیه، خویشاوندی خود با پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه خود نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله را متذکر شدند، تا خصم بداند با نام اسلام و پیامبر با برگزیدگان خاندان پیامبر می‌جنگند.

### نتیجه‌گیری

- ۱- رابطه‌ی تنگاتنگی بین قرآن و اهل بیت علیهم السلام وجود دارد و در مورد امام حسین علیه السلام این رابطه به خوبی آشکار است.
- ۲- قرآن در نهضت و حماسه‌ی کربلا نقش و جایگاه عظیمی دارد و پرتو افکنی قرآن در حرکت امام حسین علیه السلام قابل ملاحظه است.
- ۳- امام حسین علیه السلام اساس کار خود را دعوت به سوی قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام می‌کند و با استناد و استشهاد به آیات قرآن، موقعیت و جایگاه خود را در برابر بنی‌امیه بیان می‌فرماید و براین اساس، ملاک حق و باطل را روشن می‌سازد، و نهضت و قیام خود را بر مبنای قرآن معرفی می‌کند و هم‌چنین به بیان نقش حقیقی امام می‌پردازد.

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۰.



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر الجزری، ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ق.
۳. ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، البدایه والنهایه، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۳ق.
۴. امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، چ سوم، ۱۳۸۷ق.
۵. التستری، القاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۶. الحایری، محمد مهدی، معالی السبطين فی احوال الحسن و الحسين علیهما السلام، منشورات الراضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
۷. الدینوری، ابوحنیفه ابن داود، الاخبار الطوال، بیروت، دارالفکر الحدیث للطباعه و النشر، ۱۹۸۸م.
۸. (امام) خمینی، سیدروح الله، وصیت نامه، مرکز حفظ و نشر آثار امام.
۹. صدوق، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

۱۳. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۴. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. قمی، عباس بن محمد، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات صبا، چ دوم، ۱۳۸۱ش.
۱۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۷. معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، قم، دارالمعروف، ۱۴۱۶ق.
۱۸. الهیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، قاهره، مکتبه القاهره.